

الباب السادس من الواحد التاسع فيما ينبغي للناس ان يعزن...

حضرت باب

اصلى فارسى



الباب السادس من الواحد التاسع فيما ينبغي للناس ان يعزن طائفة التى يخرج نقطة الحقيقة عن بينها اذا هم بها

مؤمنون.

ملخص اين باب آنكه بدانكه هيچ ارضى از آن معتدل تر نيست الا آنكه محل ظهور ميشود و همچنين هيچ اسمائى اقرب بخداوند نيست بعد از حروف واحد الا آنكه محال انس شجرة حقيقت ميشوند ولى اگر ابعداً از خلق ايمان باو آورد اقرب خلق ميگردد چنانچه در حروف واحد بخواهي نظر كن و اگر قبل بخواهي نظر كن در اقرب در فرقان نظر كن كه مناط ايمان است ولى اگر از اقرب شود اقرب تر مثل آنكه از امير المؤمنين - عليه السلام - در قرآن واقع شد بلكه مناط قرب ايماني است چنانچه در حروف واحد شاهد شدي

و بدانكه خداوند نظر ميفرمايد در ملك خود و هيچ ابى كه از آن بهتر نباشد از براى او اختيار ميفرمايد و هم امى كه هيچ از آن بهتر نباشد خداوند از براى او اختيار ميفرمايد و همچنين كل شئون ديگر را ملاحظه كن كه يك وجود است و آن بحر وجود كل بهمان زنده و كل بهمان ميت خواهند شد اگر اقبال كنند زنده و الا ميت چه اعلاى خلق باشد و چه ادنى كه نسبت او بكل اشياء سواء است ولى خداوند نازل فرموده كل بهاء و ضياء خود را بر ابوين او قبل از خلق ايشان و صلوات بر ايشان نازل فرموده قبل خلق سموات و ارض و ما بينهما و آن همان صلواتى است كه از آن مولود بر ايشان نازل ميشود نه غير آن



ORIGINAL



AUDIO

زیرا که ذات ازل متعالی است از ذکر واقتران و آنچه در امکان ممکن ظهور مشیت اولیه است بظهورها نه بذاتها و او است کینونیت مشیت که در او دیده نمیشود الا الله جل و عز و محبوب ازل جل و عز هر کس از برای او است از برای خدا است و هر کس از برای او نیست لدون الله بدان و کل وجود را نزد آن بحر جود قطره از بحر جود آن دان و درک کن او را یا بحب درک آن جان ده که درک خواهی کرد اگر ظهور آن واقع نشود و الا اگر بقدر تسع تسع عشر عشر تاسعه شنوی و بی نگوئی نخواهی بعد از موت او را درک نمود

و بدانکه طاعت او نفس طاعة الله هست و محبت او نفس محبة الله هست و در کتب و کلمات محتجب ممان در یوم ظهور آن که کل سبب وصول باو است و اگر آن باشد و کل نباشد او بوده و کل در ظل او خواهد بود و اگر او نباشد و کل باشد هیچ شیئی نبوده و نخواهد بود و فانی محض است این است معنی آیه شریفه اگر در معرفت او بنورانیت نظر کنی

”قل الله یکنفی من کلشیء و لا یکنفی عن الله ربک من شیء لا فی السموات و لا فی الارض و لا ما بینهما انه کان علاما کافیا قدیرا“

و از برای هیچ مطلب این آیه را تلاوت نمائی بعدد اسم ”قدیر“ مگر آنکه مشاهده اجابت نمائی از مبدأ امر زیرا که خداوند بوده اقرب بتو از نفس تو بتو و قادر بوده بر هر شیئی و عالم بوده و هست بهر شیئی که اسم شیئیت بر آن تعلق گیرد بعد از آنکه از لسان کینونیت خواندی او را حروف این آیه در ملک او بوده و هست سبب میگردد که ظاهر نمایند اسباب اجابت را از قبل او ولی نظر مکن الا الی الله که کل ما دون او خلق او است و الله غنی منیع.

